

چطوری عروسک خیلی وقته اینجایی باید هوا بخوری! موتور و برداشتم و اومدم بیرون مدل موتورم یاما ۱۰۰۰ و ساله ۲۰۱۹ همون جور بردمش تو کوچه نگاهی ب خیابون کردم خلوت خوبه ی دریفت تنهایی میشه سوار موتورم شدم و کلاهشو گذاشتم و روشنش کردم و گاز دادم و راه افتادم کم کمش سرعت ۳۳۰ تا بود و ولی من تازه کیف داشتم میکردم انقدر رفتم ک رسیدم ب پل بسفر تا برم قاره اروپا برای مسابقه بیشتر گاز دادم و راه افتادم

اهورا: تمام مدت خودمو ب خواب زدم تا بفهمم رها بلایی سرم میاره یا نه اما ن وقتی گوشیش پیام اومد از لای چشمم نگاهش میکردم ک گفت وقتشه! وقت چی؟ داشتم نگاهش میکردم ک لباس پوشید و آرایش کرد جوری ک سرتا پا مشکی اما چرم شبیه دخترای شیطانی شد ک بلند شد و سمت کمد رفت و کلاه کاسکت برداشت و با سویچ تعجب کردم مگه موتور داره!

وقتی رفت منم لباسمو عوض کردم و سویچ و برداشتم رفتم حیاط دیدم موتورشو داره میبره تو کوچه روش نشست گاز داد راه افتاد سریع سوار ماشین شدم تعقیبش کنم

آخه دختر چی تو سرته تو فقط ۱۷ سالته اونوقت موتور بازی پوووف اصلا قابل پیش بینی نیستی

گاز دادم تا ته ماشین هرچی بود گاز میدادم اما رها خیلی حرفه ای بود و قشنگ

دریفت میزد از تابلو ها فهمیدم داره میره سمت اروپا

رها:وقتی رسیدم دخترایی با وضع هایی دیدم ک دخترای توی بار میچرخن ب موتورم

تکیه دادم ک نگاه خیلی پسرا روم بود نگاهشون کردم با وجود دخترای دورشون باز

نگاهشون ب من بود چون کلاهم شیشه هاش دودی بود چشمامو نمیدیدن

\_مثل همیشه ستاره ای رها

چرخیدم ک امیر رو دیدم لبخندی زدمو کلاهمو برداشتم که امیر منو دید و ابرو هاش

رفت بالا

امیر:واو تو قصد سکنه دادن ما پسرا رو داری؟

رها:چرب زبونی بسه چرا گفتم بیام؟ 😏

امیر:آها این شد راستش یکی شاخ شده میگه از هممون حرفه ای تره منم باهاش رو

تو شرط بستم ک اگه ببازه کل اینجا رو تقدیمش کنم اما تو ک میتونی از پیشش بر

بیای رها درسته؟! 😏

ب قیافش نگاه کردم چشم چرخوندم

رها:سههم من اگه برنده شم چنده؟

امیر:یه موتور دارم میفروشم امشب پولش برای تو

بهش دست دادم

رها:قبوله من ميرم خط شروع بهتره ب طرفم بگی بياد



کاربر گرامی جهت مطالعه ادامه رمان " سه دبیرستانی هات " و دانلود فایل کامل این رمان بصورت فایل پی دی اف لطفا آنرا خریداری کنید و سپس مطالعه کنید

**جهت خرید و دانلود فایل کامل این رمان اینجا را کلیک کنید**

